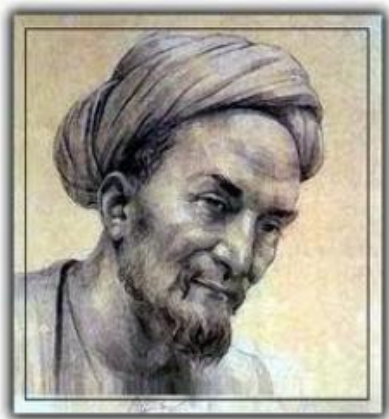




جلوه هاي از قرآن و حديث در آثار سعدي

استاد سخن، سعدي شيرازي مانند ديگر گویندگان و نویسندگان پارسي گوي به طرق گوناگون از قرآن و حديث بهره برده است.

استاد سخن، سعدي شيرازي مانند ديگر گویندگان و نویسندگان پارسي گوي به طرق گوناگون از قرآن و حديث بهره برده است. گاه از بخشي از آيه يا حديث گاه به معني و مفهوم آنها و گاه با تلميح و اشاره به يك واژه ، به آن دو گوهر آسماني، سخن خود را گرانبدر ساخته است.

آنان که با زبان قلم سر و کار دارند " به ويژه فرهنگيان و دانشگاهيان دانش اندوخته در رشته زبان، ادبيات فارسي، بر اين باورند که قرآن و حديث از صدها سال پيش تا کنون چنان در تاروپود نظم ، نثر فارسي در آميخته اند که " جمع آوري و تبويب و تدوين آنها، چنانکه بايد و شايد ، جز از مردم عهده فرهنگستاني مجهز بر نيابد. مهمتر از تأثير ظاهري، تأثير معنوي است که آن را هيچ معياري و مقياسي نيست. به راستي کلام بي همتاي رب العالمين و احاديث گهربار معصومان (ع) از صدر اسلام تا به امروز به اندازه اي در پندار و گفتار، کردار و اخلاق ايرانيان حق جوي حق پرست اثر گذارده و آنان را در يافتن، گزينش تنها دين پذيرفتني نزد خدا "ان الذين عندالله الاسلام هدايت نموده است که حساب و اجرش، تنها نزد عالم الغيب است و بس استاد سخن، سعدي شيرازي مانند ديگر گویندگان و نویسندگان پارسي گوي به طرق گوناگون از قرآن و حديث بهره برده است. گاه از بخشي از آيه يا حديث گاه به معني و مفهوم آنها و گاه با تلميح و اشاره به يك واژه ، به آن دو گوهر آسماني، سخن خود را گرانبدر ساخته است.

نمونه هايي چند از گفتار شيخ که برخوردار از قرآن و حديث مي باشند:

(1) اين شاعر شهير شيرازي، در سرودن سه بيت زير که شهرت جهاني دارند به آيه 13 سوره حجرات و دو حديث نبوي نظر داشته است:

بني آدم اعضاي يکديگرند
که در آفرينش زيک گوهرند
چو عضوي به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت ديگران بي غمي
نشايد که نامت نهند آدمي

يا ايها الناس انا جعلناکم من ذکر، انثي و جعلنا کم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم...، هان اي مردم هر آينه شما را از يک مرد و زن آفريديم، شما را به صورت ملتها، طايفه ها در آوردیم تا يکديگر را بشناسيد. همانا گرامي ترين شما نزد خدا با تقواترين شماست نخستين حديث: "مثل المؤمنین في توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد اذا اشتکي منه عضو تداعي له سائرالجسد بالسهر والحمي .

مؤمنان در دوستيشان ، رحمشان ، مهرورزشان به . يکديگر همانند يک پيکر عمل مي کنند، هنگامي که اندامي از آن به درد آيد، ديگر اندامها در بي خوابي، تب با او هم ناله اند .حديث : "من اصبح ، لايهتم بأمر المسلمین فليس منهم " هر که را بامداد فراز آيد و در اندیشه کارهاي مسلمانان نباشد، از آنان نيست .

(2)

کوه و دريا و درختان همه در تسبيحند
نه همه مستمعي فهم کنند اين اسرار

اشاره دارد به : "تسبح له السموات السبع والارض و من فيهن و ان من شي الا يسبح بحمده و لکن لاتفقهون تسبيحهم...، مي ستايند خدا را آسمانهاي هفتگانه و زمين، هرکس در آنهاست و چيزي نيست مگرآنکه ذکر و حمد خدا گوید و ليکن شما ستايش آنها را در نمي يابيد.

(3)

چو دوزخ که سيرش کنند ازو قيد
دگر بانک دارد که هل من مزيد

عنايت به آيه 29 از سوره ق: يوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزيد: روزي که به دوزخ گويم آيا پر شدي؟و او مي گويد: آيا باز هم هست؟

